

بررسی موانع تحقق علوم انسانی قرآن بنیان (رویکردی آمیخته) [◇]

محبوبه دانشی^۱
علیرضا قاسمی زاد^۲

چکیده

هدف: محققان در پژوهش حاضر به بررسی موانع تأثیرگذار بر تحقق علوم انسانی قرآن بنیان و ارائه راهکارهای مناسب به منظور تحقق آن در جامعه پرداخته‌اند. **روش:** روش تحقیق در این پژوهش آمیخته و ترکیبی، در بخش کیفی به شیوه نظریه برخاسته از داده‌ها و در بخش کمی، توصیفی از نوع پیمایشی است. ابزار بخش کیفی شامل مصاحبه با 20 نفر از متخصصان مراکز آموزش عالی و حوزه علمی کازرون است که به شیوه هدفمند با استفاده از افراد کلیدی در حد اشباع نظری انتخاب و انجام شده است. در بخش کمی نیز بر اساس نمونه‌گیری غیر احتمالی، تعداد 103 نفر افراد کلیدی مراکز آموزش عالی و حوزه علمی انتخاب شدند و پرسشنامه محقق ساخته در اختیارشان قرار گرفت. **یافته‌ها:** موانع تأثیرگذار بر علوم انسانی قرآن بنیان، شامل چهار بعد ضعف در اندیشه‌ورزی، مهارت‌های انسانی ناقص، ضعف در ارزشگذاری و ضعف در بینش‌اند؛ که از بین آنها مهارت انسانی ناقص، اندیشه‌ورزی ضعیف، ضعف در ارزشگذاری و ضعف بینشی از نظر اولویت، جزء مشکلات تلقی شدند. **نتیجه‌گیری:** توجه به اندیشه‌ورزی، نوآوری‌ها در چارچوب اندیشه‌ها و ارزشهای اسلامی، ارزش دادن به علوم انسانی بومی و تقویت بینش دانش‌آموزان، دانشجویان و محققان می‌تواند موانع تحقق علوم انسانی قرآن بنیان را کم‌رنگ سازد.

واژگان کلیدی: علوم انسانی قرآن بنیان، علوم انسانی اسلامی، رویکرد آمیخته.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

◇ دریافت مقاله: 96/10/22، تصویب نهایی: 97/08/14.

1. کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون. کازرون، ایران.
2. دکتری مدیریت آموزش عالی، استادیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کازرون، کازرون، ایران، (نویسنده مسئول).
نشانی: کیلومتر 5 جاده کازرون - بوشهر / نمابر: 07142230508@Ghasemizad@Kau.Ac.ir

الف) مقدمه

قرآن کریم، تنها کتاب آسمانی مقدّس و اصیلی است که اینک در دسترس بشریت است. لذا توجه به منبع و منشأ صدور این کلام الهی، پژوهشگران را با وضعیتی بی‌نظیر و منحصر به فرد مواجه کرده است؛ درک و فهم قرآن، نه تنها واجب دینی برای مسلمانان یا دستیابی به فضایل معرفتی برای همگان است، بلکه لازمه پاسخ به سؤالات نوپدید و جستجوی راه حل‌های احتمالی این متن مقدّس برای مسائل امروزی جامعه اسلامی است (زینلی، 1396). واژه «قرآن‌بنیان» گرفته شده از فرمایشات مقام معظم رهبری است که فرمودند علوم انسانی باید قرآن‌بنیان باشد. علوم انسانی قرآن‌بنیان، ضرورت امروزی ماست؛ زیرا بنای انسان مسلمان آن است که قرآن را در جای خود و جامعه و محیط پیرامون خود و بعد در جهان تحقق بخشد. از سوی دیگر، انسان بدون علم نمی‌تواند مسیر حرکتی خود ز گهواره تا گور را طی کند. همچنین علوم انسانی جدید نه تنها اهداف انسانی را تأمین نمی‌کند، بلکه موجب بحرانهای اساسی در وجود انسان و جامعه انسانی شده است. بنابر این، ضرورت دارد که هویت علوم انسانی قرآن‌بنیان درحوزه زیست فردی و اجتماعی تبیین و ضرورت آن تدوین و به ما نشان داده شود که علوم انسانی قرآن‌بنیان، معرفتی فردی و جمعی در حوزه انسانی و عمل اختیاری او به دست می‌دهد و اگر علم به عمل درآید، نه تنها زیست دنیوی او را به بهترین نحو تأمین می‌کند، بلکه حیات ابدی او را هم تضمین می‌کند.

قرآن به عنوان کتاب مقدس دینی و هم پیروانش، داعیه‌ای جدی در ساختن فرهنگ و تمدن دارند، تا حدی که بخش زیادی از آیات قرآن مستقیماً به موضوعات مرتبط با جامعه انسانی یا سرنوشت انسان یا زیرساختهای جوامع بشری یا سنن الهی حاکم بر جوامع بشری پرداخته است. حتی در نگاه کلی شاید بتوان مبانی انسان‌شناسی را نیز از قرآن استنباط کرد. (فقیهی، 1395)

در قرآن کریم به علوم متعددی اشاره شده و از این نظر، منبعی برای اندیشمندان در عرصه‌های مختلف است؛ این اشارات قرآنی به ویژه در علوم انسانی اسلامی اهمیت دارد که به طور مستقیم و غیر مستقیم اهمیت علم‌اندوزی را بیان کرده‌اند. تحول در علوم انسانی با رویکرد قرآن‌بنیان، می‌تواند یکی از وظایف مهم مسئولان کشور باشد؛ که اگر موفق به ایجاد این تحول در علوم انسانی نشویم، باید منتظر استیلای بیشتر علوم غربی بر جامعه باشیم. دیگر اینکه این علوم ناظر به علوم عمومی است که به حل معضلات جامعه می‌پردازند؛ معضلاتی که باید حل شوند و راه صحیح کمال و سعادت را هموار کنند. متأسفانه با وجود آنکه قرآن نقش بنیادی در تأمین سعادت دنیا و آخرت انسانها دارد، ولی هنوز به تمام دستورها و قوانین حیات بخش آن عمل نشده و مهجور مانده است. در این خصوص، پژوهشهای اندکی انجام شده که اغلب به صورت توصیفی بوده‌اند. بنابر این، با توجه به خلأ موجود در تحقیقات علوم انسانی قرآن‌بنیان، به ویژه ماهیت اصلی این علوم و با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص اهتمام به علوم انسانی قرآن‌بنیان، سؤالات اصلی این تحقیق عبارتند از:

545 **◆** بررسی موانع تحقق علوم انسانی قرآن‌بنیان (رویکردی آمیخته)

1. مؤلفه‌های موانع تحقق علوم انسانی قرآن‌بنیان از دیدگاه روحانیون و اساتید دانشگاه کدامند؟
2. اولویت‌بندی موانع تحقق علوم انسانی قرآن‌بنیان از دیدگاه روحانیون و اساتید دانشگاه چیست؟
3. راهکارهای برطرف کردن موانع تحقق علوم انسانی قرآن‌بنیان از دیدگاه روحانیون و اساتید دانشگاه کدامند؟

ب) روش پژوهش

در این پژوهش با بهره‌گیری از روش ترکیبی (کیفی و کمی) برای شناخت و درک جامع و گسترده‌ای از موانع تحقق علوم انسانی قرآن‌بنیان و دستیابی به ابعاد و گویه‌های سازنده مؤلفه‌ها اقدام شد. در بخش کیفی به گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی به شیوه نظریه برخاسته از داده‌ها و در بخش کمی به تحلیل و گردآوری داده‌های کمی از روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی پرداخته شد. گفتنی است برای استفاده از یافته‌های کیفی، در بخش راهبرد ابزار لازم طراحی (پرسشنامه محقق ساخته) و در بخش کمی از آن ابزار برای گردآوری داده‌های کمی استفاده شده است. تحقیق حاضر شامل دو بخش است:

1. بخش کیفی

در این بخش با استفاده از سه سویه‌سازی، نخست به بررسی مبانی نظری و پیشینه مربوط به حوزه علوم انسانی اسلامی و قرآن‌بنیان و سپس به مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه‌های شهرستان کازرون پرداخته شد. سپس با استفاده از نظریه برخاسته از داده‌ها، رویکرد گلنزر¹ (2001)، برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده شد. جامعه آماری این بخش شامل کلیه اساتید هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی و آزاد کازرون (سلمان فارسی، پیام نور، آزاد و علمی - کاربردی) و کلیه روحانیون حوزه علمیه کازرون در سال 95-96 بود. برای انجام مصاحبه از روش نمونه‌گیری هدفمند، رویکرد افراد کلیدی، 20 نفر از پژوهشگران و اساتید حوزه و مراکز آموزش عالی کازرون که در زمینه موانع علوم انسانی، بهترین اطلاعات را به منظور دستیابی به مجموعه‌ای از داده‌های جامع و غنی داشتند، شناسایی شدند و با آنان مصاحبه شد. معیار مشارکت، داشتن تجربه علمی با تجربه عملی در حوزه علوم انسانی قرآن‌بنیان بود. برای اعتبارسنجی این بخش، پس از تعیین نمونه آماری هدفمند، مصاحبه‌های مفصلی با 20 نفر، شامل اساتید با سابقه و مدرک تحصیلی دکترا و کارشناسی ارشد برای امکان تبادل بهتر افکار و اطلاعات مصاحبه به صورت نیمه ساختارمند و رودررو برای هرچه بهتر مصاحبه‌ها از مهارت‌های ارتباط کلامی و غیر کلامی استفاده شد. سؤالات این مصاحبه توسط چند نفر از استادان و صاحب‌نظران بررسی و اظهارات آنان تأیید شد. به طور متوسط هر

1. Glaser

مصاحبه 30 دقیقه به طول انجامید و داده‌های به دست آمده از مصاحبه در فاصله زمانی کوتاهی نسخه‌برداری، دسته‌بندی و تحلیل شد. سپس با استفاده از نظریه بر خاسته از داده‌ها، الگوی اولیه شکل گرفت.

برای روایی و پایایی بخش کیفی بر پایه این روش، چهار معیار موثق بودن و اعتبار (یاورپذیری)، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری برای ارزیابی در نظر گرفته شد. بدین منظور برای اعتبار، استفاده از دو کدگذار برای کدگذاری چند نمونه مصاحبه برای کسب اطمینان از یکسانی دیدگاه کدگذاران و استفاده از پرسشهای عینی و قابل اندازه، میزان موثق بودن داده‌های پژوهش را به حد قابل قبولی افزایش داده است. برای حصول اطمینان از انتقال‌پذیری یافته‌های پژوهشی، سه متخصص که در پژوهش مشارکت نداشتند، در خصوص یافته‌های پژوهش طرف مشورت قرار گرفتند. در همه مراحل کار و به منظور ایجاد اطمینان‌پذیری، جزئیات پژوهش و یادداشت برداری‌ها ثبت و ضبط شد. اگر یافته‌های پژوهشی بخواهد تأیید شدنی باشد، باید کلیه جزئیات در تمامی مراحل به دقت ثبت و ضبط شود که این کار در پژوهش حاضر انجام شد.

2. بخش کمی

جامعه این بخش، شامل استادان دانشگاه‌های دولتی، آزاد، پیام نور، علمی - کاربردی و کلیه روحانیون حوزه‌های علمیه کازرون در سال 96-1395 و روش پژوهش، توصیفی - پیمایشی بود. محقق به منظور اجرای پژوهش، علاوه بر مطالعه نظریات و الگوهای موجود، برای بررسی موانع تحقق علوم انسانی قرآن‌بنیان از دیدگاه هیئت علمی مراکز آموزش عالی و روحانیون، از اساتید هیئت علمی مراکز آموزش عالی و روحانیون حوزه علمیه شهرستان کازرون، که در مجموع 289 نفر بودند، نظرسنجی شد. با استفاده از روش نمونه‌گیری افراد کلیدی که می‌توانستند بهترین اطلاعات را به محقق ارائه دهند، به تعداد 103 نفر (93 نفر از هیئت علمی مراکز آموزش عالی و 20 روحانی) به عنوان نمونه برای پرسشنامه انتخاب شدند. برای اجرای پرسشنامه محقق ساخته، به مرکز آموزش عالی و حوزه‌های علمیه شهرستان کازرون مراجعه شد. پرسشنامه محقق ساخته شامل 46 گویه است و بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت، شامل بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم تنظیم شده است. تجزیه و تحلیل در این بخش تحقیق با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس.23، تحلیل عاملی تأییدی و آزمون فریدمن انجام شد و برای پایایی از روش کرونباخ استفاده شد. روایی پرسشنامه با استفاده از تحلیل محتوا بررسی شد و CVR کلی پرسشنامه 0/85 بود. همچنین مقدار آلفای کرونباخ کلی پرسشنامه 0/95 محاسبه شد که نشان از پایایی مناسب پرسشنامه دارد.

ج) یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش شامل دو بخش است. در بخش اول، قسمت کیفی پژوهش ارائه می‌شود و در بخش دوم (کمی)، تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی و در سطح استنباطی انجام خواهد شد.

1. بخش کیفی

ابتدا برای به دست آوردن اطلاعات لازم، بررسی مصاحبه با 20 تن از اساتید حوزه و دانشگاههای شهرستان کازرون انجام گرفت که نتیجه آن، شناسایی چارچوب موانع و مشکلات بود. سپس با استفاده از نظریه برخاسته از داده‌ها، عناصر پایه‌ای مربوط به موانع تحقق علوم انسانی قرآن بنیان بر مبنای چارچوب از پیش ساخته شده استخراج شدند. در این تحقیق از نظریه برخاسته از داده‌ها برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده استفاده شده است. نخستین مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس این روش، با استفاده از کدگذاری نظری انجام شد. کدگذاری نظری شامل سه مرحله است که عبارتند از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی. در مرحله کدگذاری باز، اطلاعات کدبندی می‌شوند. پس از استخراج مجموعه‌ای از مفاهیم اولیه، مفاهیم مشترک بر اساس مقایسه‌های ثابت تشابه‌ها و تفاوتها در قالب مقولات عمده دسته‌بندی می‌شوند؛ این فرایند را کدگذاری محوری می‌خوانند. در مرحله کدگذاری باز، داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها به صورت سطر به سطر و سپس موانع علوم انسانی قرآن بنیان به صورت بند به بند کدگذاری شد. در مجموع، 90 مفهوم یا کد باز به دست آمد که در جدول 1 نمایش ارائه شده است.

جدول 1: کدهای حاصل از تحلیل محتوای منابع نظری، پیشینه و مصاحبه‌ها

متعارض با مبادی و مبانی قرآن و اسلام، عدم تطبیق با جهان‌بینی اسلامی، تعارض با داده‌های وحیانی (دینی)، تعارض میان معارف دینی و دستاوردهای علوم انسانی، مادی بودن علوم انسانی، نگاه علوم انسانی به انسان مادی، غلبه رویکرد پوزیتیویسم، تفسیر محدود و فردی از دین، ابطالی تفسیر به رأی، جدایی علم از مسائل و مشکلات جامعه، توجه صرف به حیات آخرت، تأکید بیش از حد بر مسائل دینی توسط برخی افراد، کم‌توجهی به علوم انسانی نسبت به علوم فنی، پاسخگو نبودن علوم انسانی با توجه به نیاز کشور، عدم توجه به نیازهای جامعه توسط علوم انسانی، عدم تعریف دقیق مفاهیم علوم انسانی توسط اساتید حوزه و دانشگاه، نامفهوم بودن ارتباط قرآن با رشته‌های روان‌شناسی و جامع‌شناسی و... برای سطوح نخبگان کشور و رجوع به دانشمندان غربی، اختلاف در مفهوم علوم انسانی اسلامی، ابهام در کیفیت ابتدای علوم انسانی، تهاجم فرهنگی، خودباختگی فرهنگی متفکران، بیگانگی علوم انسانی با فرهنگ و مسائل خودی، تقلیدهای کورکورانه از نظریه‌های تدوین شده در غرب، عدم سیاست شایسته‌سالاری در انتصاب، بی‌اعتمادی مردم نسبت به مسئولان و اندیشمندان، عدم وجود متولی برای علوم انسانی قرآن بنیان، استفاده افراد از علوم اسلامی در جهت تحقق اهداف و غرایز شخصی، سست شدن باورهای دینی، مهجوریت قرآن و عملی نشدن تمام دستورات و قوانین قرآنی، بی‌اعتقادی و سستی در باورهای

دینی، خلأهای موجود در فقه اسلامی، تضاد بین اندیشمندان در خصوص علوم انسانی و اساتید، عدم توجه کافی و واقعی به علوم قرآن‌بنیان توسط اندیشمندان، عدم ارتباط بین حوزه و دانشگاه، عدم ارتباط بین دین و علم، روزمرگی و شتابزدگی و جدایی نهادی و علمی بین حوزه و دانشگاه، ضعف در ارائه علوم انسانی و عدم توجه کافی به این علوم در کشور، زمینه نامساعد نوآوری علمی، کمبود فعالیتهای پژوهشی مدیریت اسلامی با رویکرد قرآنی، فقدان منابع لازم در خصوص زبان و فرهنگ قرآن، ترجمه‌گرایی، جایگاه نامناسب تحقیق و محقق، به‌روز نبودن برنامه‌های رشته علوم قرآنی و حدیث برای جذب دانشجویان و...، فقدان متخصص میان‌رشته‌ای، کمبود متخصص میان‌رشته‌ای به معنای دقیق آن، عدم توانمندی علوم انسانی کشور در پرداختن به شیوه‌های روش‌مند، فقدان برنامه‌ریزی درسی صحیح در تدوین علوم انسانی بر مبنای اسلام، عدم کارآمدی علوم انسانی کنونی، عقب‌ماندگی علمی جهان سوم، ضعیف‌النفس بودن استادان، نبود زمینه جرئت برای طرح مسائل جدید، عدم فضای تفکر انتقادی نسبت به علوم انسانی، مدرک‌محوری و مدرک‌گرایی.

بعد از انجام عملیات کدگذاری باز، در مرحله دوم کدگذاری (کدگذاری محوری)، مفاهیم و کدهای باز مشترک و مشابه از نظر معنایی در قالب 12 مقوله عمده طبقه‌بندی شدند. در جدول 2، مقولات به تفکیک کدها و مفاهیم اولیه آورده شده‌اند. در مرحله آخر (کدگذاری گزینشی)، مقوله‌های هسته‌ای انتخاب و ارتباط بین کلیه مقولات عمده حول محور مقوله هسته بررسی و سپس الگوی موانع بررسی علوم انسانی قرآن‌بنیان طراحی شد. (سهرابی رنایی و همکاران، 1396)

جدول 2: مقولات به تفکیک کدها و مفاهیم اولیه

| | | |
|----------------------|---|---------------------------|
| ضعف در اندیشه‌ورزی | عدم معرفت‌شناسی جامع نسبت به علوم انسانی، ابهام در کیفیت ابتای علوم انسانی بر قرآن، عدم شناخت کافی و ترجمه دقیق و ریشه‌شناسی نکردن مفاهیم علوم انسانی، ابهام در شناسایی فرهنگ سکولار غرب به دلیل ادغام در فرهنگ اسلامی. | ابهام |
| | غلبه رویکرد پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی)، علوم انسانی در معرض تهاجم فرهنگی، تقلیدهای کورکورانه از نظریه‌های تدوین شده در غرب. | غیر بومی بودن علوم انسانی |
| | روزمرگی و شتابزدگی و جدایی نهادی و علمی بین حوزه و دانشگاه، عدم ارتباط بین حوزه و دانشگاه، عدم توجه کافی و واقعی به علوم قرآن‌بنیان توسط اندیشمندان، تفسیر محدود و فردی از دین. | بی‌توجهی اندیشمندان |
| عدم مهارت‌های انسانی | زمینه نامساعد نوآوری علمی، به‌روز نبودن برنامه‌های رشته علوم قرآنی و حدیث برای جذب دانشجویان و...، ترجمه‌گرایی و رجوع به دانشمندان غربی، فقدان منابع لازم در خصوص زبان و فرهنگ قرآن، کمبود فعالیتهای پژوهشی مدیریت اسلامی با رویکرد قرآنی | ضعف در پژوهش |
| | کمبود متخصص میان‌رشته‌ای به معنای دقیق آن، عقب‌ماندگی علمی جهان سوم، نبود زمینه جرئت برای طرح مسائل جدید، عدم فضای تفکر انتقادی علوم انسانی نسبت به علوم دیگر، مدرک‌محوری و مدرک‌گرایی. | عدم فضای تفکر انتقادی |
| | عدم توجه به نیازهای جامعه توسط علوم انسانی، عدم سیاست شایسته‌سالاری در انتصاب، بی‌اعتمادی مردم نسبت به مسئولان و اندیشمندان، استفاده افراد از علوم اسلامی در جهت تحقق اهداف و غرایز شخصی. | عدم مسئولیت‌پذیری |
| | بی‌اعتقادی و سستی در باورهای دینی، جدایی علم و دین از مسائل و مشکلات جامعه، خلأهای موجود در فقه اسلامی. | اهمال‌کاری |

550 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 77

سؤالهای ارزیابی جدول 4، بیانگر این است که بیشتر مصاحبه‌شوندگان، مفاهیم و متغیرهای الگو را مناسب ارزیابی کردند.

جدول 4: آمار توصیفی سؤالات ارزیابی کلی اعتبار الگو

| آمار توصیفی سؤالات ارزیابی کلی اعتبار الگو | | | | | ب. رتبه | اجزای الگو |
|--|--------|------------|--------|--------------|---------|--|
| درصد فراوانی | | | | | | |
| بسیار موافقم | موافقم | نظری ندارم | مخالفم | بسیار مخالفم | | |
| 50 | 20 | 20 | 10 | 0 | 4/1 | مؤثر بودن مفاهیم و متغیرها به منظور موانع علوم انسانی قرآن |
| 60 | 0 | 40 | 0 | 0 | 4/20 | مؤثر بودن روابط چهارگانه منطقی است |
| 50 | 40 | 10 | 0 | 0 | 4/3 | نظام پیشی جامعه |
| 70 | 10 | 10 | 10 | 0 | 4/40 | مسائل اندیشه ورزی |
| 60 | 20 | 10 | 10 | 0 | 4/30 | مسائل ارزش مداری |
| 70 | 0 | 20 | 10 | 0 | 4/30 | مسائل مهارتهای انسانی |
| 60 | 10 | 20 | 10 | 0 | 4/20 | معرفت شناسی ناقص |
| 40 | 20 | 30 | . | 10 | 3/80 | مادی گرایی |
| 60 | | 30 | 10 | 0 | 4/10 | بدعت و نوآوری در علوم انسانی |
| 40 | 40 | 10 | 0 | 10 | 4 | محدودیت اهداف در علوم انسانی |
| 50 | 30 | 10 | 0 | 10 | 4/10 | ابهام |
| 40 | 40 | 10 | 0 | 10 | 3/80 | غیر بومی بودن علوم انسانی |
| 60 | 10 | 20 | 10 | 0 | 4/20 | عدم مسئولیت پذیری |
| 30 | 30 | 30 | 10 | 0 | 3/50 | اهمال کاری |
| 60 | 20 | 10 | 0 | 10 | 4/20 | بی توجهی اندیشمندان حوزه و دانشگاه |
| 70 | 10 | 10 | 0 | 10 | 4/30 | ضعف در پژوهش |

551 \diamond بررسی موانع تحقق علوم انسانی قرآن بنیان (رویکردی آمیخته)

| | | | | | | |
|----|----|----|---|----|------|---------------------------|
| 50 | 30 | 10 | 0 | 10 | 4/10 | نقصان برنامه ریزی و محتوا |
| 70 | 0 | 20 | 0 | 10 | 4/20 | عدم فضای تفکر انتقادی |

2. بخش کمی

برای انجام تحلیل عاملی، نرمال بودن توزیع، بررسی شد که نتایج آن در جدول 5 آمده است.

جدول 5: آزمون نرمال

| سطح معناداری | کولموگروف-اسمیرنوف | میانگین | موانع |
|--------------|--------------------|---------|-------|
| 0/20 | 0/054 | 3/51 | |

با توجه به نتایج جدول 5، چون مقدار سطح معناداری برای موانع بزرگتر از مقدار 0/05 است، توزیع فراوانی گویه‌های موانع دارای توزیع نرمال است.

برای تعیین وضعیت مؤلفه‌های موانع تحقق علوم انسانی قرآن بنیان از دیدگاه روحانیون و اعضای هیئت علمی و اعتبارسنجی کیفی تحقیق، از تحلیل عاملی تأییدی نیز استفاده شد. پیش از اجرای تحلیل عاملی تأییدی، ابتدا سه مؤلفه مهم ارزیابی شد که عبارتند از: شاخصهای نسبت¹ آزمون بارتلت و تبیین واریانس. (جدول 6)

جدول 6: میزان KMO و میزان آزمون بارتلت در پرسشنامه محقق ساخته

| سطح معناداری | آزمون بارتلت | KMO | پرسشنامه |
|--------------|--------------|-------|----------|
| P<0/01 | 3208/553 | 0/814 | |

چنانچه میزان شاخص KMO بیش از 0/70 و شاخص بارتلت در سطح معناداری کمتر از 0/05 باشد، نشان می‌دهد که امکان انجام تحلیل عاملی معنادار روی داده‌ها وجود دارد و متغیرها عامل پذیرند. مطابق جدول 6، سطح معناداری ضریب آزمون بارتلت در سطح کمتر از 0/01 بوده و داده‌ها برای تحلیل عاملی تأییدی کفایت لازم را دارند. همچنین مقدار واریانس استخراج شده هر متغیر مشخص شده است. اشتراکات تعیین می‌کنند چه مقدار از واریانس هر متغیر به وسیله عوامل نهایی (عواملی که مقدار ویژه بیشتر از یک دارند) تبیین می‌شود. این مقدار واریانس، واریانس است که توسط عوامل نهایی استخراج شده است. هر چقدر میزان واریانس استخراج شده هر متغیر نزدیک تر به یک باشد، نشان می‌دهد که عوامل استخراج شده مناسب‌ترند. جدول 7، مقدار واریانس هر گویه را نشان می‌دهد. مقادیر ویژه اولیه گویه‌های

1. KMO

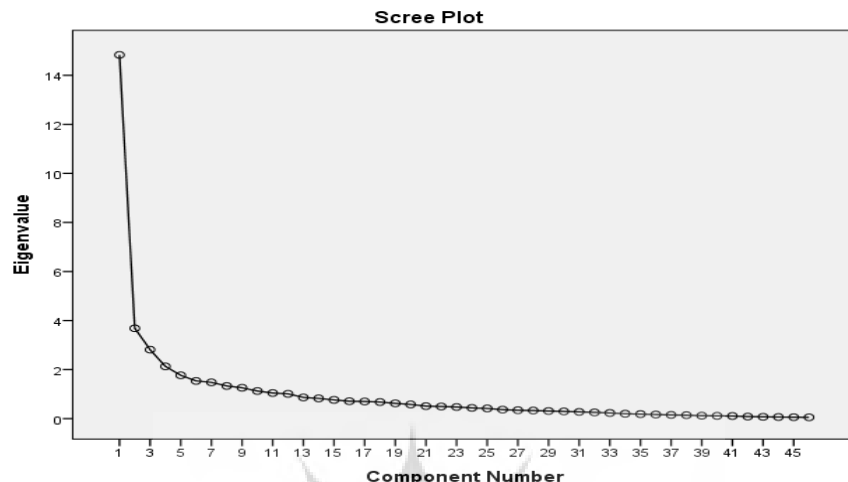
552 ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی 77

وارد شده به تحلیل، همگی 40 درصد یا بالاتر از 0/40 تغییرات را تبیین می کنند (مصورفر، 1385). پس از اطمینان از دو شاخص KMO و ضریب بارتلت، همچنین بررسی مقدار واریانس هر گویه با روش تحلیل عاملی و به شیوه مؤلفه اصلی، پرسشنامه محقق ساخته ارزیابی شد. در این بررسی، مسیر ماتریس چهار عامل ارزیابی شد که بهترین ترکیب محتوایی به دست آمده با توجه به نمودار اسکری و درصد واریانس قابل تبیین، چهار عاملی بود که چهار عامل بخش کیفی را تأیید کرد.

جدول 7: ارزش ویژه و درصد واریانس قابل تبیین در هر جدول

| ابعاد | مقادیر ویژه اولیه | | | مجموع مجذور بارهای عاملی استخراجی | | | مجموع مجذور بارهای عاملی چرخش یافته | | |
|-------|-------------------|--------------|-------|-----------------------------------|--------------|-------|-------------------------------------|--------------|------|
| | درصد تجمعی | درصد واریانس | کل | درصد تجمعی | درصد واریانس | کل | درصد تجمعی | درصد واریانس | کل |
| 1 | 32/24 | 32/24 | 14/83 | 32/24 | 32/24 | 14/83 | 18/45 | 18/45 | 8/49 |
| 2 | 40/24 | 8/00 | 3/63 | 40/24 | 8/00 | 3/63 | 30/67 | 12/21 | 5/61 |
| 3 | 46/35 | 6/11 | 2/81 | 46/35 | 6/11 | 2/81 | 41/61 | 10/94 | 5/03 |
| 4 | 50/98 | 4/62 | 2/12 | 50/98 | 4/62 | 2/12 | 50/98 | 9/37 | 4/31 |

چهار عامل مستخرج، با مقادیر ویژه بالاتر از یک، توانسته اند در مجموع 50/97 درصد واریانس پرسشنامه محقق ساخته را پوشش دهند. گفتنی است که برخی نویسندگان حداقل مقدار واریانس تبیین شده تجمعی را 50 درصد پیشنهاد کرده اند. البته این مقدار قراردادی است و بستگی به تصمیم پژوهشگر و ملاحظات دیگر دارد و می توان آن را کمتر یا بیشتر در نظر گرفت.



شکل 2: نمودار اسکری و عوامل قابل قبول حاصل از تحلیل عاملی

جدول 8 مربوط به بارهای عاملی بعد از چرخش (از نوع ماریماکس) است. این جدول در ارتباط با متغیرهای متعلق به هر عامل است. میزان بار عاملی هر متغیر در این جدول گزارش شده است. در وضعیت عادی، هر متغیر با تمامی عاملها همبستگی دارد و بار عاملی هر متغیر با تمامی عاملها در جدول ارائه می‌شود. حداقل بارهای عاملی، همبستگی‌های متغیرها با عاملهاست. چنانچه این همبستگی‌ها بیشتر از $0/6$ باشد، به عنوان بارهای عاملی بالا و چنانچه بیشتر از $0/3$ باشد، به عنوان بارهای عاملی نسبتاً بالا در نظر گرفته می‌شوند. برای نامگذاری عاملها از محتوا و معنای متغیرها استفاده شده است. اغلب مقادیر متغیرها بالاتر از $0/50$ بود که نشان می‌دهد نتیجه تحلیل عاملی مطلوب بوده است. یکی از نشانه‌های مطلوب بودن تحلیل عاملی، برخورداری هر عامل از حداقل چهار متغیر و مقادیر بالای بارهای عاملی است. (کلین، 2014)

جدول 8: محتوا و بار عاملی عوامل مستخرج از پرسشنامه محقق ساخته

| عامل | محتوا | بار عاملی | | | |
|---|--|-----------|---|---|---|
| | | 1 | 2 | 3 | 4 |
| عامل 1 | 47-عدم معرفت شناسی جامع نسبت به علوم انسانی | 0/46 | | | |
| | 45-ابهام در کیفیت ابتدای علوم انسانی بر قرآن | 0/57 | | | |
| | 46-عدم شناخت کافی و ترجمه دقیق و ریشه شناسی نکردن مفاهیم علوم انسانی | 0/63 | | | |
| | 42-ابهام در شناسایی فرهنگ سکولار غرب به دلیل ادغام در فرهنگ اسلامی | 0/56 | | | |
| | 43-غلبه رویکرد پوزیتیویسم (اثبات گرایی) | 0/41 | | | |
| | 41-علوم انسانی در معرض تهاجم فرهنگی است | 0/8 | | | |
| | 39-تقلیدهای کور کورانه از نظریه های تدوین شده در غرب | 0/72 | | | |
| | 38-روزمرگی و شتابزدگی و جدایی نهادی و علمی بین حوزه و دانشگاه | 0/66 | | | |
| | 37-عدم ارتباط بین حوزه و دانشگاه | 0/76 | | | |
| | 36-عدم توجه کافی و واقعی به علوم قرآن بنیان توسط اندیشمندان | 0/73 | | | |
| | 40-تفسیر محدود و فردی از دین | 0/60 | | | |
| | 31-زمینه نامساعد نوآوری علمی | 0/57 | | | |
| | 35-به روز نبودن برنامه های رشته علوم قرآنی و حدیث برای جذب دانشجویان | 0/49 | | | |
| | 34-ترجمه گرایی و رجوع به دانشمندان غربی | 0/68 | | | |
| | 33-فقدان منابع لازم در خصوص زبان و فرهنگ قرآن | 0/76 | | | |
| 32-کمبود فعالیتهای پژوهشی مدیریت اسلامی با رویکرد قرآنی | 0/65 | | | | |
| عامل 2 | 24- کمبود متخصص میان رشته ای به معنای دقیق آن | 0/53 | | | |
| | 13- عقب ماندگی علمی جهان سوم | 0/45 | | | |
| | 16- نبود زمینه جرات برای طرح مسائل جدید | 0/62 | | | |
| | 17- عدم فضای تفکر انتقادی علوم انسانی نسبت به علوم دیگر | 0/55 | | | |
| | 18- مدرک محوری و مدرک گرایی | 0/53 | | | |
| | 12- عدم توجه به نیازهای جامعه توسط علوم انسانی | 0/40 | | | |
| | 19- عدم سیاست شایسته سالاری در انتصاب | 0/75 | | | |
| | 20- بی اعتمادی مردم نسبت به مسئولان و اندیشمندان | 0/65 | | | |
| | 22- استفاده افراد از علوم اسلامی در جهت تحقق اهداف و غرایز شخصی | 0/56 | | | |
| | 23- بی اعتقادی و سستی در باورهای دینی | 0/59 | | | |
| | 28- جدایی علم و دین از مسائل و مشکلات جامعه | 0/42 | | | |
| 27- خلأهای موجود در فقه اسلامی | 0/40 | | | | |
| عامل 3 | 3- علوم انسانی متعارض با مبادی و مبانی قرآن و اسلام است | 0/80 | | | |

بررسی موانع تحقق علوم انسانی قرآن بنیان (رویکردی آمیخته) 555

| | | | | |
|------|--|--|--|--------|
| 0/67 | | | 4- عدم تطبیق علوم انسانی با جهان بینی اسلامی | |
| 0/79 | | | 5- علوم انسانی با داده های وحیانی (دینی) مطابقت ندارد | |
| 0/71 | | | 6- دستاوردهای علوم انسانی طبق معارف دینی نیست | |
| 0/49 | | | 11- عدم تعریف دقیقی از مفاهیم علوم انسانی توسط اساتید حوزه و دانشگاه | |
| /45 | | | 46- نفوذ افراط گرایان در مسائل دینی توسط برخی افراد | |
| 0/70 | | | 7- علوم انسانی دارای متد غربی است | عامل 4 |
| 0/73 | | | 8- نگاه علوم انسانی به انسان مادی است | |
| 0/71 | | | 9- بیگانگی علوم انسانی با فرهنگ و مسائل خودی | |
| 0/40 | | | 10- بین اندیشمندان و اساتید در خصوص علوم انسانی تضاد وجود دارد | |
| 0/61 | | | 14- خود باختگی فرهنگی متفکران | |
| 0/45 | | | 15- ضعیف النفس بودن استادان | |
| 0/41 | | | 21- عدم وجود متولی برای علوم انسانی قرآن بنیان | |
| 0/50 | | | 44- کم توجهی به علوم انسانی | |
| 0/56 | | | 30- عدم کارآمدی علوم انسانی کنونی | |
| 0/44 | | | 33- فقدان برنامه ریزی درسی صحیح در تدوین علوم انسانی بر مبنای اسلام | |
| /47 | | | 29- مهوریت قرآن و عملی نشدن تمام دستورات و قوانین قرآنی | |

بر اساس اطلاعات به دست آمده از جدول 8، گویه های 31 تا 43 و 45 تا 47 روی عامل 1، گویه های 13-12، 16 تا 20، 22 تا 24 و 28 روی عامل 2، گویه های 3 تا 6، 11 و 46 روی عامل 3 و گویه های 7 تا 10، 14 و 15، 21، 29، 30، 33 و 44 روی عامل 4 قرار گرفته است. این تحلیل نشان از تأیید بخش اول تحقیق دارد.

اولویت بندی موانع تحقق علوم انسانی قرآن بنیان از دیدگاه روحانیون و اساتید دانشگاه چیست؟

در ادامه برای مقایسه میانگین رتبه ها، نتایج حاصل از آزمون فریدمن بررسی شد. نتایج این تحلیل در جدول 9 نشان داده شده است. همان گونه که مشاهده می شود، مقدار آماره درجه آزادی، 3 و سطح معناداری آزمون، صفر است که نشان از رد شدن فرض H₀ دارد. با توجه به خروجی مذکور، نتیجه می گیریم که موانع علوم انسانی از نظر مردم جامعه متفاوت است.

جدول 9: نتیجه آزمون فریدمن برای مقایسه عملهای استخراج شده

| درجه آزادی | سطح معناداری | ارزش خی دو | وضعیت عملها در مقایسه با یکدیگر | میانگین رتبه | عملها |
|------------|--------------|------------|---------------------------------|--------------|------------------|
| 3 | P<0/01 | 106/91 | رتبه اول | 3/28 | عدم مهارت انسانی |
| | | | رتبه دوم | 2/92 | اندیشه‌ورزی ضعیف |
| | | | رتبه سوم | 2/23 | ضعف در ارزشگذاری |
| | | | رتبه چهارم | 1/57 | ضعف بینشی |

در جدول 9، عامل عدم مهارت انسانی با میانگین 3/28 در رتبه اول، عامل اندیشه‌ورزی با میانگین 2/92 در رتبه دوم، عامل ارزشگذاری با میانگین 2/23 در رتبه سوم و عامل بینشی با میانگین 1/57 در رتبه چهارم است.

قابل مشاهده است که عدم مسئولیت‌پذیری در علوم انسانی با میانگین 8/19 در رتبه اول، عامل عدم تفکر انتقادی با میانگین 8/16 در رتبه دوم، عامل نقصان در برنامه‌ریزی و محتوا با میانگین 7/46 در رتبه سوم و سایر مؤلفه‌ها به ترتیب در رتبه‌های بعد قرار گرفته‌اند و در نهایت، مؤلفه مادی‌گری و معرفت‌شناسی ناقص با میانگین 4/44 و 2/57 آخرین رتبه را دارند.

راهکارهای علوم انسانی قرآن‌بنیان از دیدگاه روحانیون و اساتید دانشگاه چیست؟

برای پاسخ به این سؤال، داده‌های حاصل از مصاحبه با افراد کلیدی تجزیه و تحلیل شد که در جدول 10 خلاصه آن ارائه شده است.

جدول 10: راهکارهای علوم انسانی قرآن‌بنیان

| |
|---|
| 1. تشکیل همایش ملی از مراکز و شخصیت‌های فعال در زمینه علوم انسانی قرآن‌بنیان برای بررسی مشکلات. |
| 2. راه‌اندازی دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی و پژوهشی میان‌رشته‌ای قرآن، حدیث و علوم انسان در هر رشته برای اساتید فعلی. |
| 3. راه‌اندازی دوره‌های آموزشی و پژوهشی میان‌رشته‌ای قرآن، حدیث و علوم انسانی در هر رشته برای دانشجویان این رشته‌ها. |
| 4. تقویت ارتباط مراکز حوزوی و دانشگاهی در این زمینه و زمینه‌سازی برای تبادل نظر آنها؛ زیرا اولین مرجعی که در نظام برای اسلام‌شناسی و قرآن‌شناسی در نظر گرفته شده، حوزه‌های علمیه‌اند. در این مسیر، دانشگاهها می‌توانند به حوزه‌ها کمکهای بسیار متنوعی کنند. |
| 5. ایجاد رشته‌های جدید در حوزه‌های علمیه، به ویژه در زمینه مباحث میان‌رشته‌ای قرآن و علوم انسانی و حدیث و علوم انسانی. |

6. آشنا کردن اساتید معارف دانشگاهها با مباحث میان‌رشته‌ای با تشکیل کارگاههایی در این زمینه و جهت‌دهی به دروس معارف برای آشنا کردن دانشجویان این رشته‌ها با مبانی اسلامی.
7. شناسایی و تقویت مراکز آموزشی و پژوهشی و مجالس فعال در مباحث میان‌رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی.
8. تقویت حضور استعدادهای درخشان کشور در حوزه علوم انسانی قرآن‌بنیان با ایجاد انگیزه و حمایت مادی و معنوی از آنها.
10. تولید علم در زمینه علوم انسانی با نگاه اسلامی با نظریه‌پردازی علمی بر اساس آموزه‌های قرآن و حدیث و....
11. بازنگری در محتوای این علوم، تقویت پایگاههای اطلاعاتی رشته‌های علوم انسانی اسلامی.
12. دوری از تحجّر علمی.
13. فرهنگ‌سازی.
14. توجه ویژه به آموزه‌های قرآنی.

د) بحث و نتیجه‌گیری

نتایج و یافته‌های حاصل از بخش کیفی پژوهش با استفاده از داده‌های حاصل از مصاحبه با صاحب‌نظران و اساتید مراکز دانشگاهی و حوزه علمی کازرون، استفاده از مقالات و سایتها و مبانی نظری پیشینه، بر اساس نظریه برخاسته از داده‌ها طی سه مرحله اصلی کدگذاری باز، محوری و گزینشی به منظور شناسایی موانع علوم انسانی قرآن‌بنیان در جامعه، نشان داد چهار عامل بیشنی، اندیشه‌ورزی، ارزش‌گذاری و عدم مهارت‌های انسانی، مهم‌ترین فلسفه نظام مقدس جمهوری اسلامی در تحقق علوم انسانی قرآن‌بنیان بوده است؛ چنانچه در قانون اساسی آمده است که این نظام می‌خواهد حکومت حق و عدل قرآن را برقرار کند. برای تشکیل چنین حکومتی، اول باید ماهیت قرآن را شناخت و اینکه علوم انسانی قرآن‌بنیان چیست؛ چگونه می‌تواند بر حکومت مستقر شود؛ چه موانعی وجود دارد و چگونه می‌توان آنها را کاهش داد.

1. ضعف در اندیشه‌ورزی

آنچه اهمیت دارد توجه به سعادت انسان است. هویت انسان در سلسله‌مراتب وجودی او، سیر صعودی به خود می‌گیرد. با این تعریف، زندگانی جمعی انسان، مقدمه و زمینه‌ای است برای نزدیک شدن گام به گام انسان به مراتب عالی‌تر وجود. پس، آنچه فقدانش در علوم انسانی قرآن‌بنیان احساس می‌شود، غایت و هدف از آفرینش و وجود و جای گرفتن مناسب بشر در این سلسله‌مراتب است. به زبانی خلاصه، علوم انسانی قرآن‌بنیان پیوندی نزدیک با وجود دارد. علوم انسانی تأثیر بسیاری بر شکل‌گیری عقاید و نگرش

افراد داشته، طرز تفکر آینده آنان را شکل می‌دهد. انسان هر جامعه با جای دیگر متفاوت است؛ از این رو نمی‌توان نسخه یکسانی برای کل انسانها در علوم انسانی پیچید. سنتها و رسوم حاکم بر جوامع، موجب می‌شود تا تعصب در انسان پدید آید و همین تعصب، عامل و مانع مهمی در برابر اندیشه می‌شود و خرد را به سمت و سویی می‌برد که ناتوان از خردورزی راستین می‌شود. به نظر می‌رسد مهم‌ترین موانعی که موجب می‌شوند آزادی اندیشه در جامعه‌ای فراهم نیاید، هواهای نفسانی از درون و گفتمانهای غالب و تعصب و تقلیدهای کورکورانه از بیرون است که به شکل طاغوت، عدم معرفت جامع نسبت به علوم انسانی، ابهام در کیفیت ابتدای علوم انسانی بر قرآن، عدم شناخت کافی و ترجمه دقیق و ریشه‌شناسی نکردن مفاهیم علوم انسانی، روزمرگی و شتابزدگی و جدایی نهادی و علمی بین حوزه و دانشگاه، عدم ارتباط بین حوزه و دانشگاه، عدم توجه کافی و واقعی به علوم قرآن‌بنیان توسط اندیشمندان، تفسیر محدود و فردی از دین، زمینه نامساعد نوآوری علمی، به‌روز نبودن برنامه‌های رشته علوم قرآنی و حدیث برای جذب دانشجویان و...، ترجمه‌گرایی و رجوع به دانشمندان غربی، فقدان منابع لازم در خصوص زبان و فرهنگ قرآن، کمبود فعالیتهای پژوهشی مدیریت اسلامی با رویکرد قرآنی انسان و...، مانع اصلی آزادی اندیشه می‌شود. همه متخصصان علوم انسانی فکر و اندیشه خویش را از این علوم گرفته و در جامعه علمی ما اعم از دانشجو و غیره تزریق می‌کنند که اگر این اندیشه‌ها با آرمانها و ارزشهای اسلامی ما در تغایر باشد، صدمات جبران ناپذیری را به جامعه اسلامی و در نهایت اسلام خواهد زد.

2. مهارتهای انسانی ناقص

بستر توقعات ناروا از علوم انسانی و یکی از علل وضعیت نابسامان علوم انسانی تلقی‌ها و برداشتهای متفاوت و نادرست از آن در جامعه ماست. برخی از افراد چون تلقی درستی از علوم انسانی ندارند، از علوم انسانی چیزهایی را می‌خواهند که مدعای علوم انسانی نبوده و همین امر برای علوم انسانی مشکل‌ساز شده است (جلیلی، 1387). نرسیدن به مقصد اصلی یعنی گستردگی علوم انسانی اسلامی، مرتبط با نهادهای اثرگذاری سیاسی کشور است. متأسفانه نهادهای مسئول اهتمام کافی را برای رشد علوم انسانی ندارند. کمبود متخصص میان‌رشته‌ای به معنای دقیق آن، عقب‌ماندگی علمی جهان سوم، نبود زمینه جرنت برای طرح مسائل جدید، عدم فضای تفکر انتقادی علوم انسانی نسبت به علوم دیگر، مدرک‌محوری و مدرک‌گرایی، عدم توجه به نیازهای جامعه توسط علوم انسانی، عدم سیاست شایسته‌سالاری در انتصاب، بی‌اعتمادی مردم نسبت به مسئولان و اندیشمندان، استفاده افراد از علوم اسلامی در جهت تحقق اهداف و غرایز شخصی، بی‌اعتقادی و سستی در باورهای دینی، جدایی علم و دین از مسائل و مشکلات جامعه و برخی از مسائلی است که منجر به جلوگیری از پیشرفت علوم انسانی قرآن‌بنیان در جوامع اسلامی می‌شود.

3. ضعف بینشی

عدم تعریف دقیق از مفاهیم علوم انسانی توسط اساتید حوزه و دانشگاه، نفوذ افراط‌گرایان در مسائل دینی توسط برخی افراد و حاکمیت معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی سکولار در میان بعضی از اساتید، باعث می‌شود علوم انسانی قرآن‌بنیان مجال کمتری برای رشد و ترقی داشته باشند. اگر متفکران حوزوی و دانشگاهی دور از هر گونه تعصب، غرض‌ورزی و به دور از هر گونه تحکم در کنار یکدیگر جمع شوند و کانونهای گفتگو در خصوص روشهای جدید و تحول در علوم انسانی را تشکیل دهند، می‌توان امیدوار بود که به تدریج شاهد تقویت بینش در بین متفکران باشیم.

4. ضعف در ارزشگذاری‌ها

در رابطه با اهداف و معنای واقعی علوم انسانی در راستای فرهنگ اصیل انسان در جوامع اسلامی، نوع نگرش اشخاص و جوامع به علوم انسانی در سطح خرد و کلان، برنامه‌ریزی دقیق در جهت سوق دادن استعدادهای اجتماعی به طرف علوم انسانی در مقاطع مختلف تحصیلی، عدم توجه به تحول علوم انسانی بر مبنای علوم انسانی قرآن‌بنیان، نگاه علوم انسانی مادیات، ارتباط کم و هماهنگ نبودن صاحب‌نظران گرایشهای علوم انسانی و شخصیت‌های علمی و دینی و حقوقی، عدم وجود متولی برای علوم انسانی قرآن‌بنیان، کم‌توجهی به علوم انسانی نسبت به سایر علوم، نادرست بودن روشها و فرایندها و برنامه‌ریزی‌های انجام شده و متفاوت بودن مسیر آنها با فرهنگ جوامع اسلامی در جهت دستیابی به الگوی مطلوب، مطالعات اندک افراد از اصل موضوع و درک نکردن جایگاه اصلی مسئله در جامعه و شناختن معضلات و کمبودهای حاکم، محوریت نداشتن و انتزاعی قرارگرفتن علوم انسانی در اغلب جوامع و تأثیرپذیری علوم انسانی از علوم بیگانه، ازجمله موانعی‌اند که باعث می‌شوند در جامعه اسلامی از وجود علوم انسانی قرآن‌بنیان بهره‌مند نباشیم.

یافته‌ها به طور خلاصه نشانگر این است که ابعاد و متغیرهای موانع علوم انسانی قرآن‌بنیان شامل مؤلفه‌های چهار بعد ضعف در اندیشه‌ورزی، مهارت‌های انسانی ناقص، ضعف در ارزشگذاری و ضعف در بینش می‌باشند که از طریق یک مطالعه با روش آمیخته به دست آمد و کمتر پژوهشی است که در این زمینه با استفاده از روش مذکور انجام شده باشد. بنابر این، مانند هر پژوهش دیگر، با محدودیتهایی روبه‌رو بوده است. در بخش نظری، پژوهش زیادی انجام نشده بود و بیشتر در سخنرانی‌ها از آن بحث شده بود. در قسمت مصاحبه، شرکت‌کنندگان هنگام تکمیل پرسشنامه موضوع برایشان تازگی داشت و لذا تعدادی از پرسشنامه‌ها برگشت داده نشد. یکی دیگر از محدودیتهای این پژوهش، با توجه به ماهیت تحقیق، محافظه‌کاری اساتید دانشگاه در مصاحبه و پر کردن پرسشنامه بود؛ چون علوم انسانی دارای شاخه‌هایی زیادی است و هر پژوهشگر در یک زمینه به مطالعه می‌پردازد.

در پایان پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی، عوامل مؤثر در پیشرفت علوم انسانی قرآن‌بنیان با رویکرد آمیخته بررسی شود.



منابع

- زینلی، نادر (1396). «نسبت‌شناسی میان علم انسانی و معارف قرآنی». مجموعه مقالات همایش علوم انسانی قرآن‌بنیان (چیستی، چرایی و چگونگی). تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- سهرابی رنائی، مریم؛ علی رشیدپور اکبر اعتباریان (1396). «شناسایی عوامل تأثیرگذار بر اثربخشی تبلیغات فرهنگی بر مبنای نظریه برخاسته از داده‌ها و ارائه الگوی اثربخشی تبلیغات فرهنگی». راهبرد اجتماعی، ش 19: 45-68.
- فقیهی، مسعود (1395). «مقدمه‌ای در بررسی جایگاه قرآن در علوم انسانی». خبرگزاری مهر: 3.
- منصورفر، کریم (1385). روشهای پیشرفته آماری همراه با برنامه‌های کامپیوتری. تهران: دانشگاه تهران.
- Faqih, Masoud (2016). "An Introduction to the Quran's Position in the Humanities". Mehr News Agency, P: 3.
- Glaser, B. G (2001). **The grounded theory perspective: Conceptualization contrasted with description**. Sociology Press.
- Kline, P (2014). **An easy guide to factor analysis**. Routledge.
- Mansourfar, K (2006). **Advanced statistical methods along with computer programs**, Tehran: Tehran University Press.
- Sohrabirehani, M; Rashidpour, A and Etebarian, A (2017). **Identification of effective factors on the effectiveness of cultural propaganda based on the theory of Grounded theory a model for the effectiveness of cultural propaganda**. Social strategy of culture, No. 19, pp. 68-45.
- Zeinaly, N (2017). "The Relationship between Human Knowledge and Qur'anic Studies, Proceedings of the Scientific Conference on the Humanities of the Qur'an (What, Why and How)", Allameh Tabataba'i University.